

# هامون

تارنمای جامعه مدنی جنوب ایران

## بی قدرتی سیاسی؛ دلیل عدم مشارکت زنان

مهدیه امیری، Saturday, July 25th, 2015

اشاره:

بحث و گفت و گو در خصوص ماهیت و موقعیت پدیده ی “مشارکت سیاسی زنان” در جامعه ی ایران به یکی از مهم ترین مباحث فکری در زمینه ی تبیین مفهوم دموکراسی تبدیل شده است. از نشانه های وجود دموکراسی در یک جامعه، وجود مشارکت سیاسی هست. از جمله مواردی که باعث عدم مشارکت سیاسی زنان در جامعه ی جنوب گردیده، داشتن احساس “بی قدرتی سیاسی” در زنان می باشد. در کنار این مورد می توان به نبود آگاهی سیاسی در بین زنان، مذهبی بودن، میزان تحصیلات و طبقه ی اجتماعی اشاره کرد. حضور زنان در عرصه ی سیاسی جنوب، غالبن شکلی توده ای و تماشاگرانه دارد که در این مقاله جهت برون رفت از این وضعیت بی قدرتی سیاسی؛ راه حل هایی مانند گفتمان سازی اجتماعی از طریق فعال نمودن احزاب و نهادهای مشارکت سیاسی برای زنان پیشنهاد می گردد.

### احساس بی قدرتی در زنان

یکی از مواردی که باعث گردیده زنان در جامعه ی ایران فعالیت گسترده ای نداشته باشند؛ داشتن احساس بی قدرتی است. احساس بی قدرتی به حالتی گفته می شود که فرد احساس می کند در وضعیت های اجتماعی و کنش متقابل خود تاثیرگذار نیست و در واقع عمل خود را بی تاثیر می یابد، به گونه ای که نتایج مورد انتظار را برآورده نمی سازد. در این حالت، فرد به این باور رسیده است که جامعه به وسیله گروه کوچکی از افراد واجد ثروت و قدرت اداره می شود که این گروه نخبگان در نظر دارند به هر ترتیبی قدرت خود را حفظ کنند. فردی که چنین احساسی دارد، در مواردی کل فرآیند سیاسی را نوعی توطئه مخفیانه می داند که هدف از آن فقط بهره برداری از مردم و بازی کردن با سرنوشت آنهاست. دوایت دین؛ بی قدرتی سیاسی را عاملی می داند که می تواند مانع از مشارکت سیاسی گردد. وی در تلاش برای تحلیل رفتار رای دهندگان سه مفهوم بی قدرتی، بی هنجاری و انزوای اجتماعی را بکار می برد. دوایت دین در پژوهش خود نشان می دهد که بین این سه مفهوم و رفتار سیاسی رابطه وجود دارد؛ لیکن با کنترل متغیر پایگاه اجتماعی، این رابطه پایدار نمی ماند (رابینسون و شارر، ۶۷۹۱: ۹۲۵). از جمله مواردی که باعث داشتن احساس بی قدرتی سیاسی می شود، عدم مشارکت سیاسی هست.

شرط لازم و اساسی برای تقویت دموکراسی؛ مشارکت، حضور و نمایندگی زنان در تمامی سطوح دولت در کنار مردان می باشد. مشارکت سیاسی زنان تنها به معنی شرکت آنان در انتخابات و رای دادن نیست. مشارکت بدین معنا می باشد که زنان در تمامی نهادهای دموکراتیک نقشی فعال، تعیین کننده و اثرگذار داشته باشند. در قالب رویکرد مدرنیزاسیون، به اعتقاد هانتینگتون و نلسون، مشارکت سیاسی و اجتماعی تابعی از فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی است. این فرآیند از دو طریق بر گسترش مشارکت اثر می گذارد. نخست از طریق تحرک اجتماعی است. کسب منزلت های بالاتر اجتماعی، احساس توانایی را در فرد تقویت کرده و نگرش او را نسبت به توانایی اش در تاثیر نهادن بر تصمیم گیری مساعد می سازد. این نگرش ها، زمینه مشارکت در سیاست و فعالیت های اجتماعی را تقویت می کند. در این حالت، منزلت اجتماعی نهایتن از طریق اثری که بر احساس توانایی و یا بی قدرتی می گذارد، بر مشارکت موثر می افتد (ریبی، ۰۸۳۱: ۳۷). از دیگر مواردی که بر

مشارکت سیاسی زنان تاثیرگذار می باشند شامل طبقه اجتماعی، تحصیلات، داشتن شغل، کنشگری در نهادهای مدنی و ..... می باشد.

### بی قدرتی سیاسی در زنان جنوب

زنان در جامعه ی در حال گذار جنوب ایران؛ به دلیل وجود کلیشه های جنسیتی، سکسیزم (خشونت پنهان در خصوص زنان) و جنسیت زدگی، وجود مردسالاری و.... دارای احساس بی قدرتی سیاسی می باشند. هرچند که این احساس همواره در بین اکثر زنان در تمامی مناطق وجود دارد، اما در این نوشته بیشتر به زنان جنوب خصوصاً زنان در استان بوشهر اشاره می گردد.

زنان استان بوشهر به دلیل وجود کلیشه های جنسیتی، حضور آنها در مکان های قابل فعالیت در حوزه های سیاسی در اغلب موارد با موانع اجتماعی و فرهنگی روبه رو می شود و در اکثر آنها این تفکر غالب است که در رفتارهای سیاسی باید تابع شوهران یا به طور کلی مردان خود باشند و نمی توانند مستقل از مردان تصمیمی اتخاذ نمایند. در این حالت زنان، مردان خود را قدرتمندانی می پندارند که نتایج مسایل سیاسی با تصمیمات آنها رقم می خورد و کنش زن در جهت داشتن نظری مخالف با شوهر یا پدر یا برادر تغییری ایجاد نمی کند. داشتن احساس بی قدرتی سیاسی در زنان استان بوشهر به گونه ای هست که آنها را معتقد نموده که اگر بخواهند حتی تصمیمی برای حضور فعال شان در عرصه ی سیاسی بگیرند، خواه ناخواه با برخی انگ های اجتماعی مواجه می شوند. به طور کلی داشتن این احساس در بین زنان در جوامع در حال گذار با دیدگاه های بسته ی اجتماعی بیشتر می باشد.

مشارکت سیاسی در دو سطح توده (مانند شرکت در انتخابات، عضویت در احزاب و انجمن ها و تجربه های اجتماعی) و نخبگان (حضور در مجلس، قوه مجریه و داشتن مناصب عالی (کاظمی پور، ۲۸۳۱: ۷۱۲) معنا می یابد. زنان استان بوشهر در جامعه ی در حال گذار که از جامعه ای پیشامدرن به سوی جامعه ای مدرن در حال تغییر هست، همچنان دارای مشارکت سیاسی با کیفیت توده ای و تماشاگرانه هستند. وجود مشارکت توده ای زنان در استان بوشهر به نبود آگاهی سیاسی، میزان تحصیلات، طبقه ی اجتماعی و احساس بی قدرتی سیاسی مرتبط می باشد. هرچه میزان طبقه ی اجتماعی زنان بالاتر باشد، شدت و اهمیت مشارکت سیاسی آنها نیز بیشتر می گردد. همچنین هر چه میزان تحصیلات زنان بالاتر رود، میزان مشارکت سیاسی آنها نیز افزایش می یابد و بالطبع میزان دسترسی به اطلاعات نیز گسترش می یابد و منزلت اجتماعی بالاتر می رود و این امر، زمینه مساعد تری برای مشارکت سیاسی زنان در عرصه ی عمومی و از بین بردن بی قدرتی سیاسی زنان را ایجاد می نماید.

برای مشارکت سیاسی زنان در استان بوشهر باید ضرورت به وجود آمدن یک "گفتمان سازی اجتماعی" در میان زنان گسترش و درک شود. بدین معنا که مشارکت سیاسی زنان از حالت برانگیخته و توده ای به حالتی خودانگیخته به همراه عقلانیت سیاسی تغییر یابد و بتواند مولفه های فرهنگ سیاسی مشارکتی را شکل دهد. دادن آموزش های سیاسی به زنان و تقویت روحیه ی مشارکتی در بین آنها باعث می شود که با افزایش تمایل به مشارکت سیاسی (که رابطه ی مستقیمی با کاهش بی قدرتی سیاسی دارد) در ایشان روبه رو گردیم. تشکیل و راه اندازی احزاب خاص زنان، تشکل های سیاسی مدنی، تریبون های عمومی و.... از جمله مواردی می باشند که جهت گیری ها و گرایش های سیاسی-اجتماعی زنان را تقویت می کند و احساس بی قدرتی سیاسی را به مشارکت سیاسی فعالانه سوق می دهد. در این مشارکت، زنان با تصمیمی آگاهانه و داوطلبانه به عضویت در تشکل ها و احزاب سیاسی، رای دادن، کاندیداتوری و نامزد شدن در می آیند.

This entry was posted on Saturday, July 25th, 2015 at 12:29 am and is filed under [سرخط خبر](#).  
 جنسیت، خانواده و خویشاوندی، زنان، سیاست فرهنگی، مردم شناسی فرهنگی، مقاله و یادداشت  
 You can follow any responses to this entry through the [Comments \(RSS\)](#) feed. You can leave a response, or [trackback](#) from your own site.

